

نقش و اثرات طراحی و معماری در طرح های بهسازی مسکن روستایی

خدیجه بوزرجمهری ۱، طاهره صادقلو ۲، زینب عرفانی ۳

۱-دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

۲-استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

۱-azar1334@gmail.com

۲-tsadeghloo@um.ac.ir

۳-zeinaberfani94@gmail.com

چکیده

ساختارهای معماری محیطهای روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می آیند که در طول قرنهای مطابق با منطقهای قوی اجتماع- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کردهاند. مسکن یکی از نیازهای اساسی انسان برحسب توسعه و تغییر سطح زندگی ابعاد مختلف و متنوعی پیدا می کند. هدف این پژوهش الگوی مناسب طراحی و معماری و تاثیر آن بر بهسازی مسکن روستایی است. امروزه آگاهی از امکانات و تنگناهای نواحی روستایی و تحلیل آنها در فرایند برنامه ریزی توسعه ی روستایی اهمیت بسزایی دارد و نوعی ضرورت جهت ارائه طرحها و برنامه های توسعه محسوب می شود. طرحهای بهسازی روستایی از جمله طرحهای توسعه ی روستایی است که در آنها سعی شده است نسبت به بهسازی و سازماندهی مسکن روستایی اقدام شود. در شیوه نگرش به طراحی و ساخت مسکن روستایی، به خصوصیات بومی، روش های ساخت محلی و تطابق مسکن با نیازهای معیشتی روستائیان اصلاحاتی صورت گیرد و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده از انرژی و مانند آن نیز در طرح مسکن روستایی لحاظ شوند.

واژه های کلیدی: مسکن روستایی، طرحهای بهسازی مسکن، معماری روستایی، شیوههای مناسب طراحی مسکن روستا

۱. مقدمه

ایران کشوری نیمه روستایی است که بخشی از جمعیت آن ساکن روستا هستند. بنابراین بخشی از سکونتگاه های آن بر بنیاد معماری بومی و سنتی و به مفهوم گویاتر، معماری روستایی استوار است. کلیه عناصر این معماری، ریشه در نیازهای معنوی و مادی روستاییان دارد. تار و پودر این معماری و از جمله مسکن، با مسائل مربوط به محیط طبیعی، نوع معیشت و شکل تولید، سیر تکوینی زندگی اجتماعی و قدرت فنی او پیوند خورده و از سوی دیگر، ذوق هنری، معیارهای اجتماعی بنیاد های خانوادگی و خویشاوندی، سنت ها و عقاید، پندار ها و باور های درونی انسان، در هر گوشه از این سرزمین طرح خاصی بخشیده است (سرتیپی پور، ۱۳۸۹، ۷۳). به بیانی دقیق تر خانه همان حافظه فرهنگی ماست که خاطرات ما در آن شکل می گیرد و تداوم می یابد. عناصر زیبایی شناختی معماری خانه ها، میراث تاریخی قوم و ملتی است که ما به آن تعلق داریم. اشیای درون خانه از فرشها، گلیم ها، ظروف، گچ بریها، درها، منبت کاری ها، پنجره ها و اشکال هندسی شکل خانه، همگی هستی ما را تعریف می کنند و به وجود و هویت ما عینیت می بخشند. برای همین است که خانه پاسدار هویت

فرهنگی، اجتماعی و طبقاتی ماست. هر کس به فراخور وجود و هستی فرهنگی و توان اجتماع و اقتصادی خویش خانه ای می سازد. بنابراین، خانه با کلیت وجود ما مرتبط است (قنبری، ۱۳۸۹، ۶۸). ارائه الگوی طرح مسکن بخشی از فرایند ساخت مسکن محسوب می شود و اجرای طرح مطلوب منوط به ایجاد بستر مناسب در خصوص آن است. بر این اساس ارائه الگوی مسکن در دو سطح صورت می گیرد: الف. ارائه روش مدیریتی و اجرایی و به عبارتی دیگر برنامه ریزی ساخت و ساز در روستا فرایندی را تعریف می نماید که طرح را در خود دارد و طرح خانه بخشی از آن محسوب می شود. ب. برنامه ریزی طراحی یک خانه روستایی مشخص. مهم ترین محورهای مورد تاکید در فرایند ساخت در تعریف الگو بدین شرح است: توجه به خواست ها و نیازهای ساکنین، انعطاف پذیری و پویایی، قابلیت تغییر و افزایش الحاقات، ایجاد تنوع در ساخت، امکان مشارکت ساکنین است. (راهب، ۱۳۹۳، ۷). طرح بهسازی مسکن روستایی که از سال ۱۳۷۴ به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به منظور ارتقاء سطح ایمنی، بهداشتی رفاه و آسایش آغاز شد، به طور گسترده ای با حمایت دولت با نگرش جدیدتر و وسیع تر مورد توجه قرار گرفته است (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). بهترین شیوه برای بازسازی و نوسازی خانه های روستایی، ایجاد بستر مناسب با حمایت فنی و مالی دولت از طریق اعطای تسهیلات و وام با شرایط ویژه و در اختیار قرار دادن مواد و مصالح ساختمانی با قیمت مناسب و هدایت فنی آنها و احداث خانه توسط خود مردم است (بیتی، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۱۸). و در همین راستا بی توجهی به ضوابط فنی، فرسودگی ساختمان‌ها، عدم نظارت موثر و نارسایی های زیر ساختی - اقتصادی از موانع اجرای مطلوب این طرح ها محسوب می شود (عینالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۲). از سویی الزامات بهسازی و مقاوم سازی ابنیه و مسکن روستایی، ضرورت اصلاح و سازماندهی بافت های روستایی را ایجاد می کند. چرا که در اکثر موارد بدون اصلاح و بهسازی بافت روستاها، مقاوم سازی مسکن روستایی ممکن نیست (رضوانی ۱۳۹۳: ۱۶۲). در تهیه طرح بهسازی روستا از کلان ترین تا خرد ترین سطح آن، اصول پایداری باید مورد توجه قرار گرفته و در تمامی الگوها و شیوه های برنامه ریزی و طراحی اجرا شود و چنین برنامه ای را می توان در راستای توسعه پایدار روستا دانست (غفاری، ۱۳۹۰، ۳۳). آنچه اکنون حائز اهمیت است، سیاستها و برنامه ریزی های بخش عمومی است که غالبا به سمت نوسازی گرایش دارد، در این صورت میزان پایداری به آنچه که معماری و سیمای روستا نامیده می شود همیشه مورد سوال قرار می گیرد. این که چگونه می توان معماری روستایی را پایدار ساخت و به اهداف نوسازی دست یافت، می تواند موضوع اصلی نوسازی و بهسازی روستاهای کنونی باشد (کریمی آذری و شمسی یوسفی، ۱۳۸۸: ۵). بنابراین هدف از این تحقیق شناخت الگوهای صحیح مسکن روستایی و شیوه های معماری مناسب و تاثیرات آنها بر طرحهای بهسازی مسکن در نواحی روستایی است. قدر مسلم ارتقاء بهسازی مسکن روستایی زمینه ساز سلامتی و زیست پذیری بیشتر و مصون ماندن آنان در برابر سوانح طبیعی خواهد شد. لذا تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که نوع طراحی و معماری تا چه میزانی بر طرحهای بهسازی مسکن روستایی تاثیر داشته است؟

پیشینه تحقیق:

در خصوص انواع طراحی و معماری مسکن روستایی و تاثیر آنها بر طرحهای بهسازی مسکن تحقیقاتی انجام گرفته است که به مهمترین یافته های آنها در قالب جدول زیر اشاره شده است:

نام نویسنده	عنوان مقاله	یافته ها
محمدی یگانه و همکاران ۱۳۹۲	نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی روستاییان	در این مقاله به بررسی چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی پرداخته اند. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می دهد. اعتبارات دریافتی بیشترین تاثیر را در شاخص های بعد کالبدی و

<p>کمترین تأثیر را در بعد اقتصادی و شاخص های آن داشته است.</p> <p>نتایج بررسی بیانگر آن است که بیشترین پراکندگی ساختمان های یک طبقه با مصالح کم دوام در نقاطی مشاهده می شوند که جزو هسته های اولیه و روستایی بوده اند و به عبارتی بنیان های فیزیکی و کالبدی دو روستا آلود و پرندک را تشکیل می دهند</p>	<p>بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا-شهر (مطالعه موردی: آلود و پرن)</p>	<p>مهدی قرخلو، حسین کلاتری، محمد اسکندری نوده ۱۳۸۷</p>
<p>انجام اقدام مناسب برای بهسازی و حفظ ذخایر کالبدی و ثروت های فرهنگی موجود در این روستاها ضرورت می یابد. و مقاله حاضر در پی آن است. با رویکردی جانبدارانه از طرح های بهسازی، بافت های با ارزش روستایی و با روش تحلیلی- اسنادی به شناسایی، تشریح اهداف، شاخص ها و اقدامات انجام یافته به عنوان راهبردی در جهت گیری های بنیاد مسکن در بخش مسکن و عمران روستایی پیردازد.</p>	<p>به بررسی " بهسازی بافت های با ارزش روستایی؛ فرایندی از ذهنیت تا عینیت "</p>	<p>جام کسری ۱۳۸۹</p>
<p>با توجه به ترغیب شهرگرایی و فقدان توجه لازم به ارتباط ساختار و کارکردهای خانه های روستایی، این دگرگونیها در پاره ای موارد زمینه ساز ایجاد نوعی دوگانگی بین مسکن و فعالیت های بنیادین خانوارهای روستایی شده است. این تحقیق می کوشد فعالیت های حاصل از نوسازی (بهسازی) در عرصه مسکن روستایی را در چارچوب قانونمندی عام با رویکرد "پوش ساختاری- کارکردی" مورد تدقیق قرار دهد. این قانونمندی ناشی از این واقعیت آشکار است که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیت ها و روابط را فراهم می آورد.</p>	<p>معتقدند " نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی شهرستان ایجرود استان زنجان</p>	<p>سعیدی و همکاران ۱۳۹۲</p>
<p>این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی به دو صورت مطالعات اسنادی- کتابخانه ای و میدانی بر پارامترهای مسکن از جمله زیربنا، جهت استقرار مسکن و نوع پوشش سقف استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که عوامل جغرافیایی چون توپوگرافی، جهت باد و سایر عناصر اقلیمی بسیار موثر است. ضمن اینکه فرم و کارکرد مسکن در محدوده های جغرافیایی ناحیه مطالعاتی به تناسب برخورداری از شبکه های ارتباطی مناسب و دوری و نزدیکی به مراکز شهری، تفاوت های آشکاری با یکدیگر نشان می دهد.</p>	<p>تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور</p>	<p>آمار و ناینج</p>
<p>این مقاله که با مطالعات و بررسی های لازم اسناد موجود در دسترس تألیف شده است، سعی دارد عوامل موثر بر تغییرات ساخت ساز مسکن روستایی و چگونگی عملکرد صحیح آن در توسعه روستا را روشن سازد و با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای تداوم مسکن روستایی گام برداشته و به عنوان یک جزو اساسی موجبات پایداری در روستا را فراهم آورد</p>	<p>تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی</p>	<p>زندیه و حصاری، ۱۳۹۱</p>
<p>این مقاله با تعریف و تدوین شاخص های مسکن روستایی و شناخت عناصر، کمیت ها و کیفیت های فضایی آن؛ تفاوت های موجود در نیازهای کمی و کیفی مسکن در مناطق مختلف کشور را نشان داده و با تأکید بر ضرورت پرهیز از برنامه ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستایی؛ بستر لازم برای تصمیم گیری متناسب باقوت ها و ضعف های مسکن در پهنه های مختلف جغرافیایی کشور را مهیا سازد..</p>	<p>شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران</p>	<p>محسن سرتیپی پور ۱۳۸۴</p>
<p>مطالعات نظری با نقاط ضعف و قوت منتج از مطالعات میدانی راهکارهای برای برنامه ریزی و طراحی واحدهای مسکونی پیرامون تهران پیشنهاد شده است. این راهکارها در موضوعات مطالعات بوم شناختی و طراحی مبتنی بر خصوصیات و منابع مربوط به هر محل،</p>	<p>کاهش آلودگی های محیطی ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری</p>	<p>محمودی و نیک قدم ۱۳۸۷</p>

طراحی اقلیمی، طراحی بر اساس فرهنگ و معیشت ساکنان و بکارگیری مصالح مناسب برای رسیدن به معماری پایدار است		
در این مطالعه به توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، نوسازی متناسب کالبدی و ایجاد ظرفیتهای جدید کار و فعالیت به عنوان اساس نوسازی مسکن است	بررسی سیاستهای نوسازی کالبدی در کشورهای دنیا	UNDP,2007,2

روش شناسی

روشی که در این پژوهش گرفته شده با توجه به کنکاش در معماری مسکن روستایی و طرح های بهسازی مسکن به صورت توصیفی- تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و میدانی است. در این مطالعات به چگونگی نقش و اثرات معماری و طراحی در طرح های بهسازی مسکن در مناطق مختلف روستایی و نوع مصالح محیط پیرامون و عوامل اقتصادی و فرهنگی تاثیر گذار و نقش و تاثیر طراحی و معماری بر بهسازی، مسائلی مانند مقاومت، ملزومات بهداشتی و مباحث زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

اهمیت مسکن روستایی و بافت روستاها در ساخت و سازهای جدید، مساله طراحی الگوی مسکن روستایی را موجب شده است. به همین دلیل مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تامین امنیت و حریم خانوار، حلقه ای از نظام تولیدی روستا را در بر می گیرد و به گونه ای متقابل با آن پیوند دارد. از لحاظ کالبدی-اجتماعی، توجه به فرهنگ روستا و روستا نشینی و شیوه معیشت روستاییان در طراحی نقشه های خانه ها نقش مهمی دارد. عدم توجه به این موضوع از مشکلاتی است که امروزه می تواند در بافت روستاها آن را مشاهده نمود. معماری که میل به تجمل گرایی در بین روستاییان رواج میدهد. با فرهنگ روستایی همخوانی ندارد. همچنین این مسکن باعث به هم ریختن فضایی کالبدی و یک دست روستا می شود علاوه بر این ساختار اقتصادی روستاییان دارای ارتباط مستقیم با مساحت، تعداد طبقات، مصالح و مبلمان فضاهای مسکونی است و حتی شغل ساکنین یکی از عوامل تاثیر گذار در چیدمان فضایی خانه های روستایی و نوع مسکن است (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۰) اما رویکرد معماری پایدار هم که با مسکن بومی و سنتی روستایی سازگاری بیشتری داشته است، از مباحث مهم محیطی است که نگاه به نسل های آینده و تخریب کمتر محیط زیست دارد. بنابراین تامین مسکن روستایی که قاعدتا با هدف نیل به کیفیت فضایی مطلوب تر دنبال می شود، نیازمند تفکری جامع نگر در توسعه فضایی کالبدی، برنامه ریزی، طراحی و اجراء، همچنین اطلاع از کم و کیف ویژگی های معماری روستایی در مناطق مختلف، توانایی ها و کاستی های موجود در این زمینه است (Sartippi-Poor, 2006.47). بعد از انقلاب اسلامی، تحولات گسترده ای در زمینه عمران روستایی و تامین زیرساخت های لازم نظیر آب و برق و راه برای روستاها انجام شد که با تاسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و تدوین طرح های هادی اقدامات اولیه برای بهسازی مسکن روستایی آغاز گردید که تا سال ۱۳۷۰ این اقدامات بیشتر به تفکیک کاربری اراضی، واگذاری زمین در روستاها محدود گشت که به علت محدود بودن توان مالی روستاییان عمده پیش بینی ها در خصوص ساخت مسکن روستایی تحقق پیدا نمود (قدیری معصوم و سراسکانرود، ۱۳۹۰، ۷۶). طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی در سال ۱۳۸۴ در هیات محترم دولت مطرح شده و به تصویب رسید. پس از تصویب هیات دولت و همچنین تصویب اعتبارات مربوطه عملا از ابتدای سال ۱۳۸۵ وارد مرحله اجرایی گردیده است. بر اساس این طرح نسبت به مقاوم سازی واحدهای مسکونی کم دوام و بی دوام در روستاهای کل کشور اقدام و سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی ساخته می شود و در طی دو برنامه پنج ساله دولت تعداد دومیلیون واحد مسکونی روستایی

مقاوم سازی خواهد شد، که در دستوری جدید این تعداد واحد مسکونی به ۴۰۰ هزار افزایش یافته است (رضوانی، ۱۳۹۳، ۱۵۰).

برنامه ریزی مسکن در ایران، به ویژه در حالت تولید انبوه، با تأکید بر تولید بیشتر، ارزان تر و سریعتر از توجه به عوامل تأمین کننده کیفیت در فضاهای سکونتی غافل گشته است. حوزه قانونگذاری نیز، فاقد نگرشی ویژه برای شناسایی و رویارویی با این مشکل و ابعاد گوناگونش و همچنین فاقد ساز و کار لازم و کارا برای هدایت و کنترل آن است. در دودهه اخیر شماری از ضوابط و استانداردها درباره طراحی مسکن نگاشته و تصویب شده یا به عنوان ضوابط پیشنهادی انتشار یافته است. که سبب تأمین نسبی استانداردهای فنی، تکنولوژی مناسب، حداقل های سازه و مصالح و همچنین تأمین نسبی الزامات عملکردی شده اند. به عنوان مثال برای شماری از ویژگیهای مسکن که با انتظارات عملکردی یا حیاتی مانند نور، تهویه و اندازه عناصر عملکردی اصلی پیوند دارند، ضوابط و الزامات رسمی در کشور وجود دارد ولیکن هیچ گونه اقدامی از معیارها و ضوابط اجرایی گرفته تا رهنمودها و توصیه های آرمانی به لحاظ مشارکت مردم در فرایند طراحی و مقوله انعطاف پذیری صورت نپذیرفته است (حسینی و شریف زاده، ۱۳۹۴، ۲۸-۲۹). بیشتر طرح های بهسازی بدون مردم و به عنوان طرحی تخصصی میان مهندسان تلقی می شود و تا زمانیکه دولت و متولیان امر به عنوان قییم، متولی مستقیم طرح و اجرای بهسازی می باشند، حداقل مشارکت روستاییان متوقع را نیز نمی توان انتظار داشت. ایجاد حس تعلق روستاییان به سرزمین اساسی ترین و کم هزینه ترین راهبرد در ساماندهی مناسب طرح بهسازی است و آن ها به عنوان استفاده کنندگان از طرح از نتایج آن آگاه شوند؛ زیرا مشارکت اهالی اهمیت بهسازی را نزد آنان بالا می برد و باورهای عمومی را نسبت به حفظ و اشاعه ارزشهای فرهنگی و معماری بومی دوباره می کند و درک اجتماعی را نسبت به بهسازی توسعه می دهد (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱، ۶۹-۷۰). با توجه به فقر مسکن در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه، امروزه بهسازی و نوسازی این مسکن جهت دسترسی روستاییان به بهداشت و رفاه بهتره یکی از مهمترین سیاستهای بهبود وضعیت روستاییان تبدیل شده است طی سالهای اخیر دولت ها در کشورهای مختلف جهان به علت آسیب پذیر بودن مسکن نواحی روستایی از خطرات طبیعی و هم چنین ناتوانی مالی خانوارهای روستایی همچنین جهت بهسازی مسکن برنامه های مختلفی را جهت بهسازی و بهبود مسکن انجام می دهند (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۱).

عوامل موثر بر معماری و الگوی مسکن روستایی

طرح، فناوری و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسب مقیاس با شرایط بیرون و درون واحد مسکونی همه و همه از میزان تاثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که به صورت تجربی تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است (میری خراچی و غفاری، ۱۳۹۵، ۹۷). نواحی روستایی ایران متأثر از عوامل گوناگون ناهمگونی زیادی دارد که گاه ناشی از شرایط طبیعی مانند مختصات جغرافیایی، انزوای جغرافیایی، شرایط جغرافیایی، و تفاوت های آب و هوایی و گاه ناشی از شرایط انسانی مانند رواج الگوها و شیوه های زندگی شهری است که به نوبه خود، برتنوع و تفاوت های اقتصادی و اجتماعی روستاهای کشور تاثیر گذاشته است (حشمت کبودوند و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۰). از این رو، الگوی اسکان بویژه در ارتباط با سکونتگاه های روستایی بیش از هر چیز انعکاسی از ویژگیهای محیط طبیعی است. در بررسی عوامل طبیعی موثر در استقرار این گونه سکونتگاه ها باید به مواردی همچون اشکال ناهمواری، پوشش گیاهی و زیست محیطی و نهایتاً نحوه دسترسی به آب و خاک مناسب را در نظر داشت. هریک از عوامل ذکر شده ارتباط مستقیمی با نحوه ساخت مسکن روستایی، وسعت و فضای آن ها، ارتباط

ودامنه روابط، مصالح به کار برده در آن و تراکم های جمعیتی و ساختمانی دارد. براین اساس الگوی کالبدی روستاها تجلی گاه نیروها و عوامل موثر محیطی، اجتماعی و اقتصادی در شکل بخشی به آنهاست و نقش هر یک از عوامل مذکور می تواند در برپایی و شکل دهی روستاها دارای نقش و اهمیت بالاتری نسبت به سایر عوامل دیگر باشد(فاضل نیا و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۹۷-۱۹۸).

عوامل طبیعی:

سکونتگاه همهای روستایی بسته به شرایط اقلیمی، توپوگرافیک، زمین شناسی و غیره شکل می گیرند در معماری سنتی روستایی ایران، ساختما نها براساس موقعیت جغرافیایی از طریق سقف ها، کاهش سطوح پنجره های رو به آفتاب، مصالح مناسب سقف، دیوار، انبار و غیره چنان با محیط خارج مقابله می کند که بهترین آسایش فضای داخلی را بدون استفاده از دستگاه های پیچیده انرژی بر آورده کننده امکان پذیر می سازد.(زیاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۳). خانه ها از نظر نحوه ساختمان، مصالح ساختمانی، فضاهای کارکردی و مانند آن انواع گوناگونی دارد. مواد ساختمانی خانه های روستایی به ویژه بناهای سنتی، تا حد زیادی به محیط طبیعی پیرامون وابسته است؛ به این معنا که انسان در درجه اول، مواد و مصالح ساختمانی موجود در محیط پیرامونی خود را که با مقتضیات معیشتی او تناسب داشته باشد در بنای خانه ها به کار می گیرد.(سعیدی، ۱۳۸۴، ۷۸). برای ساخت خانه های مناسب روستایی، بهترین روش، استفاده از مصالح موجود در منطقه است و یا روشهایی که از نظر فنی برای نیروهای موجود قابل اجراء باشد، برتری عمده این روش آن است که مسکن ارزاتر تمام می شود. نیاز آن به تدارکات و برنامه ریزی وسیع، کمتر است و خود روستاییان می توانند همراه با آموزشهای مختصر به تدریج آن را به کار ببندند و در نتیجه عملی تر خواهد بود(مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۰۱). حفاظت انسان در برابر شرایط نامساعد اقلیمی مشتمل بر تابش آفتاب، باد، بارش، گرما سرما و رطوبت است. و الگوی معماری براساس آن شکل می گیرد. دمای هوا یکی از مهمترین این عوامل محسوب می شود. فشردگی بنا و کاهش پوسته بیرونی بنا، کاهش تبدالات حرارتی با محیط بیرون از طریق کوچک شدن باز شوها و روابط تو در توی فضایی و کم شدن سطح فضای باز، پاسخ ساکنان به هوای نا مناسب است. در مناطق سرد اتاقها در چندین لایه به تناوب در پشت یکدیگر شکل می گیرند و این در حالی است که در مناطق گرم، روابط تودر توی اتاق ها ساختار منسجم تر دارد و معمولا از چند الگوی مشخص تبعیت می کند. در مناطق گرم، استعانت از جریان هوا برای خنک کردن فضای داخلی، توسط بادگیر و هواکش تعبیه شده در سقف بنا انجام می شود عامل مداخله گر دیگر، اشعه تابان خورشید است که باید ساختمان در برابر آن محفوظ بماند. ایوان های عمیق، حیاط مرکزی با تناسباتی که سایه اندازهای گسترده فراهم نمایند و سر پوشیده نمودن فضاهای دسترسی، از مهمترین این راهکارها می باشد(راهب و حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۰۵). مظاهر انطباق با طبیعت را می توان در فرایند شکل دهی و کاربرد بخش های مختلف بنا در معماری بومی روستایی عنوان نمود؛ به طور مثال، در مناطق دشتی گیلان در خانه های یک طبقه، فضاهای چون ایوان و انواع اتاق ها ساخته شده است و برای فصل تابستان با کوچ به قسمتی از محوطه ی خانه یا در زیر کندوج ها و یا در بالای فضایی به نام کوتام، استقرار می یابند در نواحی گرم و خشک تطبیق از محیط پیرامون از همین الگو پیروی می کند، به طوری که فضاها بر اساس فصول مختلف ساماندهی شده است در اغلب روستاهای ناحیه کویر مرکزی ایران، تالار یکی از ارکان اصلی فضای تابستانه است و همچنین مناطق دشتی و حتی کوهپایه ای نواحی جنوب دریای خزر به خصوص منطقه مازندران کوچ داخلی درخانه انجام می شد که از فضای زمستان نشین به فضای تابستان نشین صورت می گرفت(پیرزاد و ریاحی مقدم، ۱۳۹۲، ۴۹). در مناطق کوهستانی و سرد سیر به جهت سرد طولانی شدن زمستانها، ساکنان تمهیداتی را جهت از حفاظت سرمای شدید اتخاذ می کند. انتخاب مصالح ساختمانی مناسب، ساخت دیوارهای ضخیم، سمت گیری مسکن رو به جنوب از جمله آنهاست(ظاهری، ۱۳۸۷، ۶۶).

عوامل اجتماعی و فرهنگی:

علاوه بر تحولات اجتماعی نظیر افزایش جمعیت و مهاجرت که بر ساماندهی سکونتگاه‌ها در شهر و روستا اثر گذاشته است، سایر تحولات اجتماعی بر ساختار درونی خانه‌ها تاثیرگذار بوده‌اند. بنابراین تاثیرگذاری عامل اجتماعی در مسکن را می‌توان به دو بخش کمی و کیفی تقسیم بندی کرد. در بخش کمی مانند تراکم، بعدخانوار، تسهیلات، خدمات و در بخش کیفی خصوصیات مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن بر شکل‌گیری مسکن در هر دوره تاریخی موثر بوده‌اند (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲، ۲۳). طبقات فرهنگی، اعتقادی و شرایط امنیتی و رفتارهای جامعه ایرانی و کیفیت و دفع نیازهای اجتماعی و تک بناهای دینی مثل بناهای متبرکه و دسترسی به آنها از عوامل تاثیرگذار در الگوی حاکم بر سکونتگاههای انسانی روستایی به خصوص شبکه ارتباطی به عنوان اصلی ترین شریان حیاتی روستاها مطرح می‌گردد به طوری که در ایران مفاهیمی مثل اقتصاد هجوم و غارت، دین، امنیت و رفتار درون گرایی همیشه در زمان‌های مختلف تا به حال باعث شکل‌گیری تیپ خاص از شبکه معابر بر روستاها بوده است. (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۳-۸۴). هویت قومی یکی از عوامل شکل دهنده به هویت فرهنگی هر جامعه است. هویت فرهنگ را باید بخشی از هویت اجتماعی دانست که بر پایه تمایز فرهنگی قرار دارد. تمایزی که زمینه‌های آن را باید در سنت‌ها و آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها، و حافظه تاریخی هر فرد یا ملت جستجو کرد. امروزه هویت مسکن تغییر کرده و بسیار متفاوت از گذشته آن شده است. مسکن امروز عقلانی، شهری، عرفی، جهان محلی، رسانه ای و دموکراتیک شده است. در این میان جوامع سنتی همانند جوامع روستایی عوامل جغرافیایی چون فاصله، روابط متقابل بین انسانها جهانی شدن و تلاش برای همگن سازی فرهنگی نقش مهمی در تغییر هویت ایفا می‌کند (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۳-۹۴). حفظ امنیت از گذشته‌های دور عامل مهمی در شکل‌گیری مسکن و بافت بوده است تفکیک نسبی حریم خصوصی خانه‌ها از یکدیگر در برخی با سابقه امنیت کمتر با افراد غریبه است؛ موضوعی که در بسیاری از مناطق کوچ نشین کمتر به چشم می‌آید. تهدیدات طبیعی، نظیر سیلاب‌ها و طغیان رودخانه‌ها زلزله، رانش زمین، باد و طوفان کمتر مورد توجه روستاییان قرار گرفته است و تنها می‌توان به نمونه‌های اندکی نظیر کرسی چینی‌های بلند در مقابله با سیلاب‌ها و یا دیوارهای حایل در مقابل بادهای حامل شن و ریگزارها اشاره کرد (راهب و حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۰۸). ساختار خانواده از نکات مهمی که به لحاظ اجتماعی در ساختار فضایی روستا منعکس می‌شود که به صورت دو نوع هسته ای و گسترده است. برخی از فضاهای خانه به صورت عمومی و مشترک و بعضی از فضاها به صورت اختصاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب، ساختار خانواده، ملزومات کیفی و اندازه خانواده ملزومات کمی مانند تعداد اتاقها و یا اندازه خانه‌ها را مشخص می‌کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۷). فضای شخصی، قلمرو فردی، قلمروهای گروه‌های گوناگون مجموعه پیچیده از نواحی هسته ای و مرکزی، قلمروهای قدرت و طیف مسکونی، همه در محیط مصنوع و کاربری آن انعکاس می‌یابند. در این ارتباط در همه مقیاس‌ها از سطح کشور گرفته تا سطح اتاق، سه ویژگی وجود دارد: حس هویت فضایی، حس انحصارگرایی، کنترل ارتباط در فضا و زمان، بنابراین برای آن که خانه فضای زیست منظور گردد، الزاما باید دارای سه ویژگی، خود باز نمود فرهنگ و شیوه‌های زندگی است. همچنین باید دارای خصوصیات باشد که برخی الزامات فرهنگی - اجتماعی همچون نیازهای اعتقادی و مذهبی و توجه به آداب و رسوم، علاوه بر نیازهای زیستی را پاسخ گوید (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴، ۹). تطور تاریخی جوامع انسانی بر مبنای تطور در شیوه معیشت، الگوهای مختلف زندگی، تغییرات فرهنگی کالبدی و... از موضوعاتی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. در مجموع عوامل کلی در تغییر ریخت و بافت کالبدی روستاها و مسکن روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود. تغییر در نحوه مالکیت اراضی، ورود تکنولوژی به روستاها. تغییر نظام خانواده، مجاورت مکانی روستاها به شهر، اجرای طرح‌های هادی و بهسازی محیط‌های روستایی به تقلید از فضاهای شهری، غلبه بر فرهنگ و الگوی زندگی و معیشت شهرنشینی در روستاها شده است. (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۱).

عوامل اقتصادی:

از دیر و باز عوامل مهم شکل گیری و الگوی سکونتگاه های روستایی را عوامل اقتصادی تشکیل می دادند. امروزه در روستا ها، ایجاد ارزش افزوده از عوامل دیگر وضعیت درآمد سرانه، وضعیت فعالیت و اشتغال غالب روستا، سرانه مالکیت، اتومبیل و ارزش اقتصادی زمین عملکرد ناحیه ای روستا تعیین کننده شکل و گسترش سکونتگاه های روستایی می باشند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۴). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش های سبک شناسی، آب و هوا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان های مختلف تأثیر گذارند (Sendich, 2006, 85). میزان در آمد ساکنان عاملی ثانویه اثر گذار در تثبیت و توسعه گونه مسکن منطقه است. مهمترین این تأثیرات در استفاده از مصالح مرغوب، استفاده از نیروی بومی ماهر در ساخت، تزئینات به بنا و افزایش تعداد اتاق ها و به جلوه گذاشتن نمونه مسکن توسعه یافته را به همراه دارد (راهب و حبیبی، ۱۳۹۳، ۱۰۸-۱۰۹). عوامل اقتصادی نه تنها بر کیفیت ساخت و مصالح به کار رفته شده تأثیر می گذارد، بلکه سازماندهی فضایی و نوع فضاهای مورد نیاز را نیز تعیین می کنند. عوامل اقتصادی روستا را، در رابطه با فضای کالبدی روستا، در سه گروه مطرح کرد.

الف- نوع فعالیت یا فعالیتهای تولیدی (نوع محصولات، فروش بلافاصله بعد از برداشت، انبار کردن محصول و فضاهای مربوط به آن

ب- ابزار تولید (سنتی نیمه مکانیزه، مکانیزه کامل و فضاهای مربوط به آن)

ج- میزان درآمد با قدرت سرمایه گذاری در بخش مسکن (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۸).

نتیجه گیری

همان گونه که قبلا ذکر شد. پژوهش های انجام گرفته نتایج متفاوتی داشته است. محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲، به بررسی چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی پرداخته اند. اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در بعد اقتصادی و شاخص های آن داشته است. جام کسری، ۱۳۸۹، انجام اقدام مناسب برای بهسازی و حفظ ذخایر کالبدی و ثروت های فرهنگی موجود در این روستاها ضرورت می یابد. و جهت گیری های بنیاد مسکن در بخش مسکن و عمران روستایی پیردازد. سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲، این تحقیق می کوشد فعالیتهای حاصل از نوسازی (بهسازی) در عرصه مسکن روستایی را در چارچوب قانونمندی عام با رویکرد "پویش ساختاری- کارکردی" مورد تدقیق قرار دهد. این قانونمندی ناشی از این واقعیت آشکار است که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیت ها و روابط را فراهم می آورد. محسن سرتیپی پور / ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، این مقاله تفاوت های موجود در نیازهای کمی و کیفی مسکن در مناطق مختلف کشور را نشان داده و عدم توجه به کیفیت که طراحی مسکن روستایی به سوی برنامه ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستایی سوق می دهد. مهدی قرخلو، همکاران، ۱۳۸۷، نتایج بررسی بیانگر آن است که بیشترین پراکندگی ساختمان های یک طبقه با مصالح کم دوام در نقاطی مشاهده می شوند که جزو هسته های اولیه و روستایی بوده اند. محمودی و نیک قدم ۱۳۸۷، مطالعات بوم شناختی و طراحی مبتنی بر خصوصیات و منابع مربوط به هر محل، طراحی اقلیمی، طراحی بر اساس فرهنگ و معیشت ساکنان و بکارگیری مصالح مناسب برای رسیدن به معماری پایدار را ذکر کرده اند. آمار و نایج ۱۳۹۰، عوامل جغرافیایی و اقلیمی را بر معماری مسکن موثر می دانند. زندیه و حصار ۱۳۹۱، عوامل موثر بر تغییرات ساخت ساز مسکن روستایی و چگونگی عملکرد صحیح آن در توسعه روستا را روشن سازد و با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای تداوم مسکن روستایی گام برداشته اند. UNDP, 2007 در این مطالعه به توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، نوسازی متناسب کالبدی و ایجاد ظرفیتهای جدید کار و فعالیت به عنوان اساس نوسازی

مسکن است. تحقیق حاضر برای پاسخ به این سوال است معماری و طراحی تا چه میزان بر طرح‌های بهسازی مسکن در مناطق روستایی موثر است. در طراحی و معماری مسکن روستایی ایران، عوامل طبیعی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی نقش بسزایی دارد خانه‌ها از نظر نحوه ساختمان، مصالح ساختمانی، فضاهای کارکردی و مانند آن، تا حد زیادی به محیط طبیعی پیرامون وابسته است؛ به این معنا که انسان در درجه اول، مواد و مصالح ساختمانی موجود در محیط پیرامونی خود را که با مقتضیات معیشتی او تناسب داشته است. بررسی عوامل بوم، معیشت و مسائل اجتماعی و اقتصادی برای طراحی مسکن در هر روستا ضروری است. براین اساس الگوی کالبدی روستاها تجلی گاه نیروها و عوامل موثر محیطی، اجتماعی و اقتصادی در شکل بخشی به آنهاست و نقش هر یک از عوامل مذکور می‌تواند در برپایی و شکل دهی روستاها دارای نقش و اهمیت بالاتری نسبت به سایر عوامل دیگر باشد. سنت‌ها و عقاید، پندارها و باورهای درونی انسان، طراحی مسکن را تحت تاثیر قرار داده است. طرح مسکن در روستا، از لحاظ بهداشت، و مصالح و استحکام کاستی‌های دارد. از سوی دیگر، مسکن جدید، اغلب با بی توجهی به نیازهای زیستی - معیشتی و ویژگی‌های محیط زیست طبیعی همراه بوده است. بنیاد مسکن در طرح بهسازی به مقاوم سازی و ایمنی و مسائل بهداشتی مسکن روستایی را مورد توجه قرار داده است. در این طرح‌های که دولت متولی آن است باید در همه ابعاد به نیازهای زیستی و معیشتی روستاییان را مد نظر داشته باشد. و طرح‌ها با مشارکت روستاییان و استفاده از نظرات و ایده‌های ساکنین، به لحاظ فنی و کارکردی باید در اولویت قرار گیرد.

منابع:

- ۱- آمار، تیمور و نائیج، فرشاد، ۱۳۹۰، تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور، مسکن محیط روستا، شماره ۱۳۵، پاییز، صص. ۴۳-۵۶.
- ۲- بیتی، حامد، ۱۳۹۱، ارزیابی جایگاه الگوهای بومی در برنامه‌های ساخت و ساز مسکن روستایی (مطالعه موردی آذربایجان شرقی)، دو فصلنامه مدیریت شهری شماره ۲۹، بهار و تابستان، صص. ۱۱۵-۱۳۰.
- ۳- پیرزاد، احمد و ریاحی مقدم، ساشار، ۱۳۹۲، بررسی رابطه بوم‌گرایی در معماری روستایی با اقتصاد روستایی (نواحی مرکزی مازندران و نواحی مرکزی یزد) دو فصلنامه علمی - تحلیلی هنرو فن، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص. ۴۳-۶۲.
- ۴- تقوایی، علی اکبر، بهرام پور، مهدی و شاهین راد، مهنوش، ۱۳۸۸، بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب شناسی - رهنمود، آرمان شهر، شماره ۲، بهار و تابستان، ۱۰۵-۱۱۲.
- ۵- جام کسری، محمد، ۱۳۸۹، بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی؛ فرایندی از ذهنیت تا عینیت، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱، پاییز، ۶۱-۷۲.
- ۶- حسینی، اکرم و شریف زاده، سمیه، ۱۳۹۴، واکاوی آسیب‌ها و محدودیتهای انعطاف‌پذیری در مسکن معاصر ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، تابستان، ۱۹-۳۲.
- ۷- حشمت کبودوند، بیژن، میردامادی، مهدی و فرج‌اله حسینی، جمال و پاسبان، فاطمه، ۱۳۹۳، سنجش اصول پایداری توسعه روستایی در شهرستان کرج، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۲، تابستان، صص. ۶۹-۸۶.
- ۸- خاکپور، مژگان و انصاری، مجتبی و شیخ مهدی، علی و طاوسی، محمود، ۱۳۹۴، ویژگیهای اجتماعی - فرهنگی مسکن بومی، مجله و محیط روستا، شماره ۱۴۹، بهار، ۳-۱۴.

- ۹- راهب، غزال و حبیبی، محسن (۱۳۹۳)، پهنه بندی مسکن روستایی بر اساس گونه های شکل گیری مسکن در ایران، نشر تهران مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- ۱۰- راهب، غزال، ۱۳۹۳، الگوی برای طراحی مسکن روستایی مبتنی بر مشارکت و تامین نیازهای ساکنین، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، تابستان ص. ۳-۲۲.
- ۱۱- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۳، برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ ششم، انتشارات تهران نشر قومس
- ۱۲- ریاحی، ابوالفضل، ۱۳۹۳، بررسی تغییرات سبک زندگی و اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان باخرز)، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۳- زندیه، مهدی و حصارى، پدram، ۱۳۹۱، تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه و توسعه پایدار روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، تابستان، ص. ۶۳-۷۲.
- ۱۴- زندیه، مهدی و اقبالی، رحمان و حصارى، پدram، ۱۳۹۰، روش های طراحی مسکن انعطاف پذیر، شماره یک، پاییز و زمستان، ص. ۹۵-۱۰۵
- ۱۵- زیاری، کرامت ا...، پرهیز، فریاد، مهدی نژاد، حافظ و حسن اشتری، ۱۳۸۹، ارزیابی مسکن گروههای درآمدی و ارائه برنامه تامین مسکن اقشار گروههای کم درآمد، نمونه موردی: استان لرستان، مجله آبادی، شماره ۷۴، تهران ص. ۱-۲۱.
- ۱۶- سعیدی، عباس و طالبی، مصطفی و رابط، علیرضا (۱۳۹۲)، نوسازی مسکن دگرگونی ساختاری-کارکردی خانه های روستایی (مورد مطالعه: روستاهای استان ایجرود استان زنجان)، فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۸، پاییز، ص. ۵-۳۱.
- ۱۷- سعیدی، عباس (۱۳۸۴)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری: یک بررسی ادراکی، نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران جلد اول.
- ۱۸- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۴، شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، ص. ۴۳-۵۲.
- ۱۹- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۹، "برنامه ریزی و طراحی مسکن روستایی" مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاه های روستایی "مسکن و بافت" جلد اول، ناشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
- ۲۰- صیدایی، اسکندر و صادقی، حجت اله و فدایی، معصومه، ۱۳۹۴، بررسی تغییرات کالبدی و فضاهای جدید مسکن در روستا- شهر (مطالعه موردی: روستا-شهر ده چشمه: شهرستان فارس)، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، سال دهم، شماره ۳۳، زمستان، ص. ۷۷-۹۰.
- ۲۱- ظاهری، محمد، ۱۳۸۷، تحلیل همبستگی وسعت مسکن روستایی و ساختا توپوگرافیکی (بررسی موردی: روستاهای کوهستانی و دشتی ليقوان و کندرود در استان آذربایجان شرقی)، جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۲۵، پاییز، ص. ۶۱-۹۲.
- ۲۲- عینالی، جمشید و محمدی یگانه، بهروز و طیب خالد نیا، محمد، ۱۳۹۴، اثرات بهسازی مسکن در تحولات کارکردی اقتصادی مسکن روستایی؛ مورد مطالعه، دهستان شمشیر در شهرستان پاوه، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۴، زمستان، ص. ۱۹۱-۲۰۹.
- ۲۳- علی الحسابی، مهران، کرانی، نعیمه، ۱۳۹۲، عوامل تاثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار، صص. ۱۹-۳۶.
- ۲۴- غفاری، رامین، ۱۳۹۰، طرح بهسازی روستایی، نشر تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- ۲۵- فاضل نیا، غریب، شمس الدینی، علی، دهقانی، کیومرث، ۱۳۹۲، تحلیلی بر کیفیت مکان در سکونگاههای روستایی شهرستان ممسنی (مطالعه موردی، بخش دشمن زیاری). کاوش های جغرافیای مناطق بیابانی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۹۵-۲۲۰.

- ۲۶- قدیری معصوم، مجتبی و اکبرپور سراسکانرود، محمد، ۱۳۹۰، تحلیل نقش دولت از ساخت مسکن روستایی در برنامه های توسعه مطالعه موردی برنامه چهارم توسعه کشور، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳۴، صص. ۷۴-۱۰۱.
- ۲۷- قنبری، نوذر، ۱۳۸۹، تحلیل نگرش روستائیان به مسکن ایده آل (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان، صص. ۶۵-۷۸.
- ۲۸- قرخلو، مهدی و مهدی، علی و مهدیان، معصومه، ۱۳۹۱، بررسی شاخص های اجتماعی - اقتصادی و تاثیر آن بر کیفیت مسکن محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی: محلات حاشیه نشینی شهر قم) ف چشم انداز جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۸، بهار، صص. ۱۸-۴۱.
- ۲۹- کریمی آذر، امیر رضا، احمد رضا، شمسی یوسفی، ۱۳۸۸، مسکن روستایی بارویکرد بهسازی و مقاوم سازی مسکن روستایی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا
- ۳۰- محمودی، محمد مهدی و نیکقدم، نیلوفر، ۱۳۸۷، کاهش آلودگی های محیطی ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری (مطالعه موردی بافتهای مسکونی پیرامون تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، پاییز، صص. ۲۷-۳۸
- ۱۶- محمدی یگانه، بهروز و چراغی، مهدی و عباسی، جواد و تاسی، زهرا (۱۳۹۲)، نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان زنجان، دهستان معجزات)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، بهار، صص. ۹۹-۱۰۸.
- ۳۱- میری خراجی، آسیه و غفاری، رامین، ۱۳۹۵، فرایندهای فضایی مکانی در گونه شناسی مسکن روستایی، نشر اصفهان جهاد دانشگاهی، چاپ اول
- ۳۲- محمدی یگانه، بهروز و نباتی عباس، چراغی، مهدی، ۱۳۹۱، تبیین اثرات اجرای طرح هادی بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان کرانی شهرستان بیجار)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۹، پاییز، صص. ۹۹-۱۱۲.
- ۳۴- Sartippi-Poor M. (2006), Rural Housing in Develop Programs, *Journal of Fine Arts*, 27..
- ۳۵- Sendich, B, (2006), Planning and Urban Standard, Rutledge, Newgers
- ۳۶- UNPD, (2007), Human Development Report 2006. [onlino]; www.undp.org.